

آتش و خشم

درون کاخ سفید ترامپ

ترجمہ و ویرایش نیک نظر:

علی صالحی طالقانی و دکتر صالح فاضل

سرشناسه

: ولف، مایکل، ۱۹۵۳ - م

Wolff, Michael

عنوان و نام پدیدآور

: آتش و خشم: درون کاخ سفید ترامپ/تالیف مایکل وولف

زیر نظر علی صالحی طالقانی، صالح فاضل؛ مترجم محمد تقوایی، نوید نجف زاده

مشخصات نشر

: تهران: نحل، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری

: ۲۸۷ ص: ۱۴ * ۲۱ س م

شابک

: ۳۰۰۰۰ ریال ۹۷۸۶۰۰۹۲۲۷۰۰۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

: ۵۰۰ بندی کنگره ب: ۲۱۳۹۶ آ ۸ و ۹۱۲/ع

: ۹۷۳/۹۳۳۰۹۲: بندی یوبی

: ۵۰۴۶۹۸۹: کتابشناسی ملی

نحل

انتشارات بین المللی

NAHL

انتشارات بین المللی نحل

تهران، بهارستان، صفی علیشاه، شماره ۶۸، واحد ۶

۸۸۹۴۴۰۸۸ - ۰۲۱ - www.nahlpub.ir

آتش و خشم درون کاخ سفید ترامپ

تالیف: مایکل وولف

زیر نظر علی صالحی طالقانی، دکتر صالح فاضل

مترجم: محمد تقوایی، نوید نجف زاده، سید محمد جاجی سید جواد

چاپ و صحافی: چاپ و طرح نوین

صفحه آرایی: وحید حسن زاده

نوبت چاپ: اول زمستان (۱۳۹۶)

شمارگان: ۵,۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۷-۰۰۰-۲

شماره نشر: ۹۰۳

قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش گفتار
۱۹	۱ روز انتخابات
۳۳	۲ برج ترامپ
۶۳	۳ روز اول
۸۱	۴ بن
۹۹	۵ حرانکا
۱۱۹	۶ درخانه
۱۳۵	۷ روس
۱۵۵	۸ چارت زمانی
۱۷۹	۹ کنفرانس اعدامات سیاسی
۱۹۹	۱۰ گلدمن
۲۱۱	۱۱ شنود
۲۲۳	۱۲ لغو و جایگزینی
۲۳۹	۱۳ مبارزه درونی بن
۲۵۳	۱۴ اتاق وضعیت
۲۶۷	۱۵ رسانه
۲۸۵	۱۶ کومی
۲۹۹	۱۷ بیرون و درون کاخ
۳۱۳	۱۸ بازگشت بن
۳۲۹	۱۹ مایکا کی؟
۳۴۷	۲۰ مک مستر و اسکاراموچی
۳۶۱	۲۱ بنتون و اسکاراموچی
۳۷۱	۲۲ ژنرال کلی

پیش‌گفتار

آیلز و بنن

مراسم عصر ۱۰ عصر ساعت شش و نیم شروع شده بود. اما استیو بنن، که ناگهان در میان قوه‌ترین مردان دنیا قرار گرفته بود و کمتر نگران بابت وقت شناسی داشت، دیر کرده بود. بنن قول داده بود که در یک شب کوچک که توسط دوستان مشترک در یک خانه شهری^۱ در گرینویچ ویلج^۲ بنن با بنی شده بود، مرشد سابق خود، راجر آیلز، رئیس پیشین اخبار شبکه فاکس و مهم‌ترین شخصیت رسانه‌های جناح راست را ملاقات کند. روز بعد، ۴ ژانویه ۲۰۰۷ - اندکی بیش از دو هفته قبل از معارفه‌ی دوستش دونالد ترامپ بعنوان - ۴۵ و به جمین رئیس جمهور - آیلز ب برای یک بازنشستگی اجباری، که او امید داشت هر وقتی باشد، عازم پالم بیچ^۳ بود.

برف سهمگینی در حال بارش بود و یی برگزاری شام تا مدتی تأخیر به نظر می‌رسید. آیلز هفتاد و شش ساله، با سابقه‌ای طولانی مشکلات^۴ و لگن، به زحمت راه می‌رفت و هنگام آمدن به منهتن با همسرش بث از خانه‌ی ییلاقی‌شان در شمال شهر در هادسون، نگران لیز بودن خیابان‌ها بود. اما آیلز

۱. Town house: خانه‌ی آپارتمانی کوچک که از دو طرف جانبی، دیوار به دیوار ساختمان‌های آپارتمانی کوچک مشابهی قرار دارد.
۲. Greenwich Village: منطقه‌ای در نیویورک

مشتاق بود که بنن را ببیند. دستیار بنن، الکساندرا پریثت، بطور مداوم اخبار تحولات برج ترامپ را برای بنن اس ام اس می کرد.

همانطور که این گروه کوچک منتظر بنن بودند، عصر، عصر آیلز بود. آیلز که از پیروزی دوست قدیمیش دونالد ترامپ به اندازه‌ی هر کس دیگری شگفت‌زده شده بود، سمینار کوچکی را درباره‌ی تصادفی بودن و پوچی-های سیاست در این گردهمایی برگزار کرد. آیلز، پیش از به راه اندازی اخبار شبکه فاکس در سال ۱۹۹۶، به مدت ۳۰ سال در از عوامل سیاسی در حزب جمهوری خواه بود. او اگرچه آنقدر از این انتخابات متعجب بود، اما هنوز می‌توانست استدلالی به نفع یک خط مستقیم از نیکسون به ترامپ را ترتیب دهد. برای ما بنن چنین پرونده‌ای مطمئن نبود که ترامپ، در زمانهای متفاوت، جمهوری خواه، مستقل و دموکرات نبوده باشد، بتواند همچنین استدلالی کند. با این حال، او فکر می‌کرد که ترامپ را به خوبی هر کس دیگری می‌شناسد و مشتاق بود که به او کمک کند. او همچنین مشتاق بود که به بازی رسانه‌های دست راست بازگردد، و با انرژی فراوان بخشی از فرصت‌ها برای بدست آوردن یک ملیون یا تقریباً یک ملیون دلاری که فکر می‌کرد برای یک شبکه‌ی تلویزیونی تبلیغی جدید لازم دارد را، توصیف می‌کرد. هر دو مرد، آیلز و بنن، خود را دانش‌آموزان ویژه‌ی تاریخ خیال می‌کردند، هر دودرکی نسبی از تئوری‌های میدان جهانی داشتند. آنها این موضوع را بصورتی کاریزماتیک می‌دیدند - یک رابطه‌ی شخصی به تاریخ و نیز با دونالد ترامپ.

اکنون اما با اکره، آیلز متوجه بود که دستکم فعلی دارد مثل راستگراها را به بنن می‌سپرد. این مشعلی بود که با وجود طعنه‌های فراوان، هنوز بصورتی تابناک می‌سوخت. اخبار فاکس آیلز، با ۱,۵ ملیون در سود سالانه، به مدت دو دهه بر سیاست جمهوری خواهان حکمفرمایی می‌کرد. اکنون اخبار برایتبرت، با تنها ۱,۵ ملیون دلار سود سالانه، مدعی جایگاه او بود. به مدت سی سال آیلز - که تا همین اواخر قویترین شخص در سیاست محافظه-

کاران بود - به دونالد ترامپ روی خوش نشان داده و عملاً او را تحمل کرده بود، اما در نهایت بنن و برایتبرت او را انتخاب کرده بودند.

شش ماه پیش، زمانی‌که پیروزی ترامپ هنوز خارج از حوزه امکان به نظر می‌رسید، آیلز به اتهام آزار جنسی با دسیسه پسران لیبرال روپرت مرداک محافظه‌کار ۸۵ ساله، سهامدار کنترل‌کننده‌ی اخبار فاکس و قویترین مالک رسانه‌ی دوران، بصورتی نامحترمانه اخراج شد. سقوط آیلز دلیلی برای یک جشن خیلی لیبرال بود: بزرگترین لولوی محافظه‌کار در سیاست مدرن با به‌جاری‌های اجتماعی جدید سقوط کرده بود. در حالیکه سه ماه بعد، ترامپ که سوءاستفاده‌ها و بی‌اخلاقی‌های بیشتری متهم بود، عنوان رئیس‌جمهور از غاب شد.

آیلز از چیزهای نادیده‌ی ترامپ لذت می‌برد: مهارت فروشندگی او، مهارت مجری‌گری تلویزیونی، شجاعت پیرامون او. حس ششم در مورد جریان عمومی بازار - یا حداقل تلاش به پیش‌بینی خستگی‌ناپذیرش برای بردن آن را می‌پسندید. او از بازی ترامپ خوشش می‌آمد. او از تاثیر گذاری ترامپ و بی‌شرمی‌های او لذت می‌برد. آیلز بعد از مآظه‌ی او با هیلاری کلینتون، با شگفتی به دوستی گفته بود: «او به رفتن ادامه می‌دهد.» «اگر در راه دونالد را بزنی هم، باز به رفتنش ادامه می‌دهد. او حتی نمی‌فهمد که کسی او را زده است.» اما آیلز متقاعد شده بود که ترامپ هیچ باور یا پتانسیل سیاسی ندارد. انتخاب ترامپ بعنوان چهره‌ی مرد عادی عصبانی‌فان نشانه‌ی دیگری بود از اینکه در یک دنیای وارونه زندگی می‌کنیم. این جوک سیاسی بعنوان هدف لازم داشت - و آیلز فکر می‌کرد که شاید او هدف جوک باشد.

با این حال، آیلز برای دهه‌ها سیاسیون را مشاهده کرده بود، و در حرفه‌ی طولانی‌اش او هر نوع و حالت و غرابت و ترکیب و فرومایگی و جنونی را دیده بود. عاملانی مثل خود او - و اکنون مثل بنن - با همه‌ی نوع سیاستمداری کار کرده بودند. این رابطه‌ای با بالاترین سطح همزیستی و وابستگی متقابل

بود. سیاستمداران در خط مقدم این میدان سازمانی پیچیده بودند. عوامل اجرایی بازی را می‌دانستند، اکثر نامزدها و مسئولین اداری نیز همینطور. اما آیلز کاملاً مطمئن بود که ترامپ بازی را بلد نیست. ترامپ آموزش‌ندیده بود - او هیچ ظرفیت پذیرش هیچ طرح بازی را نداشت. او نمی‌توانست عضو هیچ‌گونه سازمانی باشد، و احتمال نداشت که به هیچ برنامه یا اصولی بپیوندد. در دید آیلز، او "یک یاغی بدون هدف" بود. او صرفاً "دونالد" بود - انگار که نیازی نبود چیز دیگری گفته شود.

در اوایل آگوست، کمتر از یک ماه پس از اخراج از اخبار فاکس، ترامپ از دوست قدیمی خود خواست که مدیریت کمپین آشوب‌زده او را به عهده بگیرد. آیلز، که از عدم تمایل ترامپ به پذیرفتن هرگونه توصیه‌ای، یا حتی گوش دادن به آنها، خبر داشت، درخواست او را رد کرد. شغلی که استیو بنن یک هفته بعد به عهده گرفت.

پس از پیروزی ترامپ به نظر می‌رسید که آیلز بابت اینکه از سر بی-اعتقادی، به فرصت مدیریت کمپین دوستش چنگ نزده، پشیمان است. چرا که پیشنهاد ترامپ به بنن فرصت بود که می‌توانست نصیبش شود. آیلز فهمید که صعود ترامپ به سربلندی، بروزی خیلی از چیزهایی بود که آیلز و اخبار فاکس نمایندگی کرده بودند. به هر حال، شاید او او بیشترین نقش را در راه انداختن موج مرد خشمگین موثر، پیروزی ترامپ بر عهده داشت: رسانه‌های راست‌گرای مجذوب شخصیت ترامپ اسیر او شدند.

آیلز که عضوی از محفل بسته‌ی دوستان و مشاوران ترامپ با اغلب با آنها تماس می‌گرفت، امیدوار بود که وقتی او و همسرش بشاب پالم بیچ نقل مکان کنند، زمان بیشتری را با رئیس‌جمهور جدید خواهد گذراند. او می‌دانست که ترامپ برنامه داشت که سفرهای منظمی به مارا لوگو، در انتهای سیلابانی که خانه‌ی جدید آیلز در آن قرار داشت، داشته باشد. با این حال، اگرچه آیلز به خوبی می‌دانست که در سیاست، بردن همه چیز را تغییر می‌دهد - برنده برنده

است - هنوز هم نمی‌توانست کاملاً این واقعیت نامحتمل و غریب که دوستش دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده شده بود، را درک کند.

ساعت ۹:۳۰ بنون بالاخره با سه ساعت تاخیر به قرار شامی رسید که خورده شده بود. با کتِ ابریشمی آشفته و دو جفتِ پیراهنی که نشانه‌اش بود و خستگی نظامی، مرد اصلاح‌نکرده‌ی چاقِ شصت و سه ساله بر سر میز به سایر مهمانان پیوست و بلافاصله کنترل مکالمه را به دست گرفت. گیلان شراب بخاری را رد کرد - «من مشروب نمی‌خورم» و به درون یک مباحثه‌ی زنده، یک «انلود» درم اطلاعات دنیایی که قرار بود به زودی کنترلش را در دست بگیرد، شریجه زد.

او به سبکِ نجاشِ «انتش» گزینه‌های کابینه در دهه‌ی ۱۹۵۰ گفت: «ما می‌خواهیم فشار بیرونی تا زمانی که اعضای کابینه را برای هفت روز آینده در جلساتِ رای اعتماد آنها داشته باشیم. تیلرسون دو روز، سشن دو روز، ماتیس دو روز...»

بنن مسیر گفتگو را از ماتیس «دیوانه‌وار» - ژنرال چهارستاره‌ی بازنشسته‌ای که ترامپ برای وزارت دفاع نامزد کرده بود - به بحثی طولانی درباره‌ی شکنجه، لیبرالسمِ شگفت‌آور ژنرال‌ها، و «سوپر بوروکراسی» شهروندی-نظامی تغییر داد. آنگاه به انتسابِ قریب‌الوقوعِ «یکل» - یکی از ژنرال‌های محبوبِ ترامپ که در خیلی از تجمعات انتخاباتی ترامپ، سخنران اول بود - بعنوان مشاور امنیت ملی پرداخت.

«او خوب است. جیم ماتیس نیست و جان کلی هم نیست... خوب است. تنها به کارکنانِ مناسبی دورو بر خودش نیاز دارد.» بنن ادامه داد: «همه‌ی افرادی را که می‌گفتند ترامپ هرگز و آن نامه‌ها را امضا کردند و همه-ی نئومحافظه‌کارانی که ما را درگیر این جنگ‌ها کردند را بیرون بکشید... نیمکتِ پُری برایتان باقی نمی‌ماند.»

بنن گفت که سعی کرده بود که جان بولتون، دیپلمات مشهور به شاهین^۱ را، برای شغل مشاور امنیت ملی پیشنهاد دهد. بولتون یکی از افراد مورد علاقه‌ی آیلز هم بود.

بولتون گفت: "او یک پمب افکنه، یک کوچولوی عوضی عجیب.. اما بهش نیاز هست. چه کس دیگه ای در رابطه با اسرائیل خوبه؟ فلین کمی درباره‌ی ایران دیوانگی می‌کنه. تیلرسون" - نامزد وزارت خارجه - "فقط درباره‌ی نفت اطلاعات داره".

بن غرغر کرد که: "سبیل بولتون مساله است. ترامپ فکر می‌کنه که ظاهرش به درد این شغل بخوره. به هر حال بولتون یک طعم اکتسابی^۲ است." "خب، شاید منم مبنی بر این بود که یک شب در یک هتل با کسی درگیر شده و دنبال یک زن افتاده"

"همین رو برای ترامپ تحریف کنم، ممکنه بولتون رو استخدام کنه"

نکته جالب این بود که بنن نتوانست ترامپ را بپذیرد درحالیکه بصورت همزمان مدعی بود او را کاملاً بدی می‌گیرد. او اولین بار ترامپ نامزد گاه‌گاه ریاست جمهوری را، در سال ۲۰۱۰ ملاقات کرد؛ در جلسه‌ای در برج ترامپ. بنن به ترامپ پیشنهاد داده بود که، بعنوان روشی برای پیشبرد جاه-طلبی‌های کمپینیش، نیم میلیون دلار صرف پشتیبانی از نامزدهای حزب جای^۳ کند. بنن با این فکر که ترامپ هرگز چنین پولی را پرداخت نخواهد

۱. Hawkish: سیاستمداری که طرفدار استفاده از زور به جای دیپلماسی در سیاست خارجی است

۲. Acquired taste: یعنی چیزی یا کسی که تنها در طول زمان ممکن است از او خوشتان بیاید.

۳. Tea Party: جنبش قبی بارتی یا جنبش اعتراضی جای تیگ جنبش سیاسی آمریکاییست که از تبعیت از قانون اساسی ایالات متحده، کاستن از مخارج دولت آمریکا و مالیاتها، و کاهش کسر بودجه و بدهی ملی آمریکا حمایت می‌کند. این جنبش بخشی محافظه کار، بخشی لیبرال و بخشی پوپولیست شمرده می‌شود.

کرد، از ملاقات بیرون آمد. مشکل این بود که او هنوز جدی گرفته نمی‌شد. بین آن مواجهه اول و اواسط آگوست ۲۰۱۶، زمانی که رهبری کمپین ترامپ را در دست گرفت، گذشته از چند مصاحبه‌ای که برای شوی رادیویی‌اش در برایتبرت با او انجام داده بود، کاملاً مطمئن بود که بیش از ده دقیقه صرف مکالمه دو نفره با ترامپ نکرده است.

اما اکنون زمان بنن بلاخره سر رسیده بود. ناگهان در همه‌جا یک حس جهانی تاید به خود وجود داشت. برگزیت در بریتانیا، امواج مهاجرینی که به سواحل خشمگین اروپا می‌رسیدند، محرومیت‌های طبقه کارگر، چشم‌انداز سقوط بیشتر مالی، برنی سندرز و روان‌شیسم لیبرال او - همه‌جا یک عکس-العمل تاید می‌یافت. دیده می‌شد. حتی پرشورترین هواداران جهانی‌شدن، مردم بودند. بنن بار داشت که تعداد زیادی از مردم ناگهان نسبت به یک پیام جدید پذیرا شده بودند. دنیا نیاز به مرز دارد - یا اینکه دنیا باید به زمانی باز گردد که مرز داشت. زمان که آمریکا عظیم بود. ترامپ تبدیل به قالبی برای این پیام شده بود.

تا عصر آن روز در ژانویه، بنن به مدت ۵ ماه در دنیای ترامپ غرق شده بود. و اگرچه او فهرست قابل‌ملاحظه‌ای از خصوصیات ویژه ترامپ، و دلایل کافی داشت تا مراقب رفتار غیرقابل‌پیش‌بینی رئیس‌جمهور باشد و دیدگاه‌های او را جمع‌آوری کرده بود، این کار چیزی از جذابیت کار به نمانده و فوق‌العاده‌ی ترامپ برای راستگرایان، حزب چای، و میم اینترنتی^۱، و اکنون در دهان پیروزی، از فرضی که او داشت به استیو بنن می‌داد، کم نمی‌کرد.

آیلز به ناگهان پرسید: «اوضاع رو می‌فهمه» و متوقف شد و مشتاقانه به بنن خیره شد. منظورش این بود که آیا ترامپ متوجه اوضاع هست. به نظر می‌رسید که این

۱. Internet Meme: میم اینترنت فعالیت، مفهوم، بازی کلمات یا قطعه‌ای از رسانه است که اغلب به عنوان تقلید یا اهداف طنز آمیز بصورت فرد به فرد از طریق اینترنت منتشر می‌شود.

سوالی درباره‌ی دستور کار راستگرایان باشد: آیا بلیونر پلی بوی واقعاً متوجه هدف پوپولیستی طبقه کارگر بود؟ اما احتمالاً این سوال مستقیم و رک به ماهیت خود قدرت مربوط می‌شد. آیا ترامپ متوجه بود که تاریخ او را کجا گذاشته است؟

بنن جرعه‌ای آب نوشید. بعد از مکثی که شاید کمی زیادی طولانی بود، گفت "حواسش هست، چیزی رو که می‌فهمه، می‌فهمه."

آیلز، زیرچشمی به او خیره شد، انگار منتظر بود که بنن کارت‌های بیشتری بکند.

بنن گفت: "واقعاً، به برنامه مسلطه. این برنامه‌ی خودشه." بنن موضوع را از خود ترامپ به دستور کار ترامپ تغییر داد. "روز اول ما سفارتخانه‌ی آمریکا را به بیت المقدس می‌بریم. نتانیاهو کاملاً موافقه. شلدون - «شلدون ادلسون، بلیونو کاریه دار، مدافع استگرای تندرو مدافع اسرائیل، و پشتیبان ترامپ - کاملاً همراه هست. میدونم در این جریان به کجا می‌رسیم».

آیلز مشکوک پرسید «دونا، دمی می‌دونه؟»

بنن با چشمی لبخند زده ادامه داد:

«بگذار اردن کرانه‌ی غربی را بگیرد، بگذار مصر غزه را بگیره. اجازه بده آنها به این مساله بپردازند. یا هنگام تلاش برای رسیدگی بهش، غرق شوند. صبر، سعودی‌ها دداره لپریز می‌شه... صبر مصری‌ها داره لپریز می‌شه، همگی تا سر حد مرگ از ایرانی‌ها ترسیده‌اند... یمن، سینا، لیبی... این قضیه قضیه‌ی بدیست... به همین خاطره روسیه نقش کلیدی داره... یمنی‌ها روسیه اونقدرها هم بد نیست؟ آدم‌های بدی هستند. اما دنیا پر از آدم‌بدها است»

بنن همه‌ی اینها را با نشاط و سرزندگی مردی می‌گفت که در حال بازسازی دنیا باشد.

آیلز گفت: "اما بهتره بدونیم که آدم‌بدها، آدم‌بدها هستند." سعی داشت بنن را به ادامه صحبت تشویق کند. "شاید دونالد این را ندونه"

بنن گفت که دشمن واقعی چین است، و این را طوری گفت که نه خیلی از

ترامپ دفاع کرده باشد و نه اینکه حرف هایش بوی توهین به ترامپ بدهند.. چین خط مقدم در یک جنگ سرد جدید. و این قضیه کاملاً در دوره اوباما غلط فهمیده شده بود - آنچه رو که ما فکر می‌کردیم فهمیده‌ایم، اصلاً نفهمیده بودیم. این شکست سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا بود. بنن، گفت: "من فکر می‌کنم که کومی یک آدم درجه سه باشد. یا برنان یک آدم درجه دو است" طرح اخراج رئیس اف. بی. آی و سیا را در ذهن داشت.

"کان سفید در حال حاضر مثل کاخ سفید جانسون در سال ۱۹۶۸ است. سوزان ریس" - مشاور امنیت ملی اوباما - "بعنوان یک مشاور امنیت ملی داره کمپین می‌دهد. دانش را مدیریت می‌کنه. اونها اهداف را انتخاب می‌کنند، و او پهلوانها را می‌فرسته سراغشون. منظورم اینه که آنها دارند جنگ را با همان کفایت و کاردی جانسون در سال ۶۸ اداره می‌کنند. دست پنتاگون از کل موضوع بیرون می‌زنه. سازمان‌های اطلاعاتی از کل موضوع بر کنار هستند. رسانه‌ها به اوباما گیر داده‌اند. اگر ایدئولوژی را از این قضیه بگیری، یک چیز کاملاً آماتور مانند باقی می‌مانه. من فکر می‌کنم اوباما چه کار می‌کرد. هیچ‌کس در کپیتول هیل او را نمی‌شناسه. هیچ جری او را نمی‌شناسه - اینکه او چه موفقیت‌هایی داشته، که ا چه کار می‌کنه. معوم نیست."

آیلز با این تلقین واضح که بنن خیلی جلوتر از واقعیتش دارد راه می‌رود، پرسید که: "موضع دونالد در این باره کجاست؟" "او کاملاً موافقه."

"متمرکز؟"

"می‌پذیره"

آیلز متعجب گفت که: "من یکی که چیز زیادی به دونالد نمی‌دهم، بخواد درباره‌اش فکر کنه."

بنن غرغر کرد که: "خیلی زیاد، خیلی کم - این‌ها لزوماً چیزی را تغییر نمی‌دهد."

آیلز فشار آورد که: «با روس‌ها خودش را در چه دردسری انداخته؟»
بنن گفت که: «عمده‌ی داستان این‌ه که او به روسیه رفت و فکر می‌کرد که
قرار است پوتین را ملاقات کند. اما پوتین کمترین اهمیتی به او نداد. به
همین خاطر او به تلاشش ادامه داد..»
آیلز گفت: «این دونالد»

بنن، کسی که شروع کرده بود به اینکه ترامپ را مثل یکی از عجایب طبیعی
بنگرد، فراتر از هر توضیحی گفت که: «واقعاً خیلی باشکوه»
رباره، بنن، انگار که مساله ترامپ را- تنها یک حضور بزرگ و خاص برای هر
دو که متشکرش باشند و تابعش - کنار می‌گذارد، و در نقشی که برای خودش
در نظر گرفته بود، کارگردان ریاست‌جمهوری ترامپ، به جلو حمله کرد:

"چین به چین ت. هیچ چیز دیگری مهم نیست. اگر در قضیه چین درست
عمل نکنیم، در هیچ چیز دیگر درست عمل نخواهیم کرد. کل این داستان
خیلی ساده است. - این در حای قرار دارد که آلمان نازی در سال ۱۹۲۹ تا
۱۹۳۰ قرار داشت. چین‌ها مثل آلمان‌ها، منطقی‌ترین مردم در دنیا هستند، تا
زمانیکه دیگر منطقی نیستند. و آنها مثل آلمان در دهه‌ی ۳۰، از خود بی‌خود
خواهند شد. ما یک دولت فوق‌العاده‌ای خواهیم داشت، و زمانیکه این اتفاق
بیافتد، دیگه نمی‌شه اوضاع را به قبل برگرداند."

آیلز، با قیافه‌ای خشک و بی‌روح گفت: "ما مکنه که دونالد، در قضیه چین
نیکسون نباشه" منظورش این بود که باور ترامپ در ردای تحول جهانی خیلی
ساده‌لوحانه است.

بنن لبخند زد. با بزرگ‌نمایی و شکسته‌نفسی کنایه‌آمیز گفت: بنن، در چین،
آیلز، با اشاره به داماد و مشاور ارشد سیاسی ترامپ، جارد کوشنر می‌گفتش
ساله پرسید: "این بچه چطور"؟

بنن، با صدایی که نشان می‌داد که ابا هر احساسی به هر حال مصمم است
که بر همین پیام اصرار کند، گفت: "شریک منه"
آیلز با شکاکیت گفت: "واقعاً؟"

"تو تیم هست."

"زیادی با روپرت ناهار خورده."

بنن گفت: "در واقع، می‌تونی از این لحاظ کمکم کنی " آنگاه بنن چند دقیقه را صرف تلاش برای جذب آیلز جهت کمک به زمین زدن مرداک کرد. آیلز، از زمان اخراجش از فاکس، کینه مرداک را به دل گرفته بود. حال مردام اغلب با جاپلوسی رئیس‌جمهور منتخب را به سمت اعتدال اعتدال هسته‌ای قدرت - مردام سوق می‌داد - کلاً یک وارونه‌سازی عجیب در جریان‌های عجیب‌تر عجیب‌تر محافظه‌کاری آمریکایی بود. بنن می‌خواست که آیلز به ترامپ، مردی که خشمش را از اختلالات اعصاب مانند ترس از فراموشی یا زوال عقل بود، تذکر دهد که مرداک ممکن است دیوانه شده باشد.

آیلز گفت: "من به زنی، خواهم زد. اما ترامپ برای روپرت هر کاری می‌کنه. درست مثل پوتین. هر دو شیرینی‌ای را انجام می‌ده. من تنها نگران اینم که چه کسی زنجیر چه کسی را در دست دار"

جادوگر پیرتر و جوانتر رسانه‌ها، دست راستی او، اگرچه تفاوت سنی‌شان آنقدرها هم نبود) برای خوشایند سایر مهمانان ساعت دوازده و نیمدر کنار آنها بودند. جادوگر پیرتر در تلاش برای فهمیدن معنی ملی جدیدی کبنام ترامپ بود - اهرچند مدعی بود که رفتار ترامپ در اتاق تحلیلی قابل پیش‌بینی است - و مرد جوانتر مصمم بود. که لحظه‌ای تعیین سرپرست خود را خراب نکند. بنن تاکید کرد که: "دونالد ترامپ می‌تونه. او ترامپه. من نمونه ترامپ به هر حال ترامپه"

آیلز، با حسی شبیه به دیرباوری، گفت: "آره، ترامپه."